

نگارش : آقای م . اورنگ

بقیه از شماره قبل

## آئین درخت کاری در ایران باستان

### درخت وابسته به آهورامزدا

در نوشته‌های امین ایران باستان ، درخت مورد که همیشه سبز و خرم است ، به آهورامزدا بستگی دارد .

ایرانیان پیشین این درخت را بنام اینکه وابسته به آهورامزدا است همواره سبز و خرم و گرامی ، در خانه و باغها و باغچه ها می کاشتند و از آنها بخوبی نگاهداری میکردند .

اکنون نیز در خانه های زرتشتیان ، این درخت زیبای باستانی ، زیاد دیده می شود . این درخت در میان گروههای دیگر آریائی نیز گرامی است . هنوز در آلمان شب بیوکانی ( عروسی ) ، تاجی از شاخه های مورد درست می کنند و بر سر عروس میگذارند .

چون در اینجا از وابسته بودن درخت مورد به آهورامزدا سخن رانیدیم بسیار بجاست از داستان گرامی بودن گلها در آئین کهن نیز یاد کنیم و از بستگی داشتن آنان به امشاسپندان کمی سخن بمیان آوریم .

در کتاب کهنسال آویستا ، برای پیشرفت و خوشبختی شش پایه یاد شده است که آنها را امشاسپندان می خوانند .

امشاسپندان بمعنی نمردنی های پاك و افزایش دهنده یا نابود نشدنیهای پاك و افزایش دهنده است .

از روی این معنی که نمودار نمودن و نابود نشدن و جاودانی است ، میتوانیم آنها را بمعنی جاودانی‌های پاک یا جاودانیهای افزایش دهنده بخوانیم و این معنی را یادآور آن شش پایه جاودانی آئین زرتشت بدانیم که آدم باید آنها را به پیماید و پیش برود و با پیمودن این شش پایه به خوشبختی برسد و نام نیک جاودانی از خود بجا گذارد .

در نوشته‌های وابسته کیش مزده یسنی گاهی آهورامزدا را در سر این شش پایه می گذارند و آنها را رویهم رفته هفت امشاسپند مینامند .  
 پس از این یاد آوریها اینک میپردازیم بگفتگو در باره امشاسپندان و نشان دادن نامهای آنان .

امشاسپندان بانام اهورامزدا که در آنها میباشند بدینگونه اند :

۱- اهورامزدا - این واژه فرخنده ، نام آفریننده جهان است در آویستا و بمعنی هستی بخش بزرگ دانا میباشد . واژه نخست که آهورامزدا باشد ، بمعنی هستی بخش و جان بخش و نیرو بخش است .

واژه دوم از دوتیکه درست شده نخست ، ( مز ) بمعنی بزرگ . دوم : ( ا ) ، بمعنی دانا و آفریننده . بنا براین واژه مزدا بمعنی دانای بزرگ یا آفریننده بزرگ خواهد بود .

همانگونه که یادآور شدیم ، درخت سرسبز مورد به اهورامزدا بستگی دارد و بنا براین درختی است فرخنده و گرامی .

۲ - بهمن - این واژه بمعنی نیک اندیشی و نمودار اندیشه نیک می باشد . از دوتیکه درست شده . نخست : به ، بمعنی نیک . دوم : من ، بمعنی اندیشه و منش . بهمن که درس نیک اندیشی بمردم یاد میدهد ، نخستین پایه از پایه های ششگانه پیشرفت در زندگی یا نخستین ، از امشاسپندان است .

هر کس می‌خواهد در زندگی پیشرفت کند و در میان مردم آبرو داشته باشد و نام نیک از خود بجاگذارد، باید نخستین بار از بهمن پیروی کند یعنی اندیشه اش نیک باشد، چه که اندیشه نیک پایه گفتار نیک و کردار نیک است.

از میان گلها، گل یاسمین سفید به بهمن بستگی دارد. یعنی کسانی که در پایه‌های پیشرفت و خوشبختی گام نهاده‌اند، باید بنام بهمن و بیاداندیشه نیک این گل را نگاهداری کنند و خوب پرورش دهند.

۳- اردی بهشت - این واژه بمعنی بهترین راستی یا بهترین پاکی است. از دو تیکه پیوند یافته. نخست: اردی (هماهنگ زردی) بمعنی راستی و درستی و پاکی و پارسائی.

دوم بهشت که بمعنی بهترین است. اردی بهشت دومین پایه پیشرفت و خوشبختی یعنی آدم باید پس از پیمودن پایه نخست و بهره‌مند شدن از بخشش نیک‌اندیشی، در این پایه گام بگذارد و بهترین راستی و پاکی و پارسائی را شیوه خود سازد و آنچه‌آنکه باید و شاید راست و درست باشد.

گل مرزنگوش (مرزنجوش) که ریز و سفید است، به اردی بهشت بستگی دارد. یعنی باید این گل را بنام اردی بهشت و بیاد بهترین راستی و درستی نگاهداری کرد و پرورش داد.

۴- شهریور - این واژه بمعنی نیروی آرزو شده یا فرمانروایی آرزو شده است. شهریور که سومین ماه به پیشرفت می‌باشد، نمودار نیرومندی شدن است. یعنی با آدم می‌آموزد که بکوشد نیرومند شود و با نیرومندی پیش برود گل‌شاه اسپرغم (ریحان) وابسته به شهریور است.

۵- سپندارمذ - این واژه نمودار اندیشه‌های رسای پاک و افزایش دهنده است یعنی رسا اندیشی با آدم یاد میدهد و میرساند که آدمیزاد برای پیشرفت در زندگی

باید در خود اندیشهٔ رسا پدید بیاورد و با کمک آن پیش برود .  
گل بید مشک و ابسته باین پایه از امشاسپندان است .

۶- خورداد - این واژه بمعنی رسائی و شادی و آسایش است و درس رسا بودن و شاد و خرم زیستن بآدم یاد میدهد . رسائی در اینجا از دو راه است . از راه تن و روان یا از راه جهان آخشيجی و جهان مینوئی .

یعنی آدم باید بکوشد و از راه بهداشت و ورزش تندرست و نیرومند و رسا باشد و همچنین بکوشد از راه فرهنگ و دانش جان روان خود را رسا و نیرومند سازد و رویهمرفته از هر دو راه پیش برود و در پرتو نیرومند بودن تن و روان در خوشی و آسایش بگذراند .

گل سوسن از آن خورداد است .

۷- امرداد - این واژه که بمعنی بیمرگی یا جاودانی است ، واپسین پایهٔ امشاسپندان میباشد . یعنی آدم پس از پیمودن پایه‌های پنجگانه باین پایه میرسد که پایهٔ جاودانی بودن است .

بیمرگی یا جاودانی در اینجا نمودار و برزیستن و زیاد زندگی کردن و نام نیک جاودانی از خود بجا گذاردن است . گل چمبک به امرداد بستگی دارد .

با آنچه گفته شد خوب دانستیم که هر کدام از گلها بیک نام ویژه‌ئی گزاشی هستند و این گرامی بودن و به امشاسپندان بستگی داشتن برای این است که مردم با این نامها آنها را بکارند و به پروراند و از زیبایی آنها بهره‌مند شوند .

### نگارهٔ درخت در مهرشاهنشاهی باستانی

در این گفتار با رازها و ریزه‌کاریهای آموزنده‌ئی دربارهٔ درخت آشنا میشویم و نیک در مییابیم که درخت از روزگاران بس کهن در کشور ایران و نزد ایرانیان به ویژه در نزد پادشاهان ایران گرامی بوده و از این رو نگارهٔ آنرا در روی مهرشاهنشاهی

هم میساختند و آنرا بهترین نمودار پیشرفت و پیروزی میدانستند .

پس از این یادآوریا اینک برمیگردیم برسر داستان مهر شاهنشاهی باستانی که باستان شناسان و کوش گران در سال ۱۳۳۵ هجری آنرا در استان گیلان پیدا کردند و اکنون در موزه ایران باستان میباشد .

مهر نامبرده استوانه مانند و از عقیق است . هنگامی که آنرا پیدا کرده بودند ، در تالار موزه گذاشتند . یعنی در دسترس مردم بود و بسیاری از مردم تهران بتمشای آن رفتند .

در روزنامه ها و مجله ها هم درباره آن سخنان زیادی شنیده شد . آنچوریکه شنیده ام ، از سوی جشنهای شاهنشاهی نیز در کتابها و نوشته هایی که برای هنگام برپا ساختن جشن دو هزار و پانصد (۲۵۰۰) ساله است داستان آن و چگونگی آن نوشته میشود .

چنانکه میگویند ، باستان شناسان این مهر را دست کم نزدیک به سه هزار سال پیش دانسته اند و گفته اند مهر نامبرده نزدیک به سه هزار سال در زیر خاک بوده است . درباره همه ریزه کاریهای این مهر که داستان درازی دارد و هر کدام از نشانی های یاد شده در آن ، نمودار یک بخش از دانش و بینش و کیش و آئین است کارنداریم و تنها درباره نگاره درخت سخن میرانیم که در پیرامون آن دیده میشود .

بخش بالائی مهر نگاره فروهر است . در زیر فروهر شاخه هایی است که برسر هر یک گوئی دیده میشود .

شماره این شاخه ها و گوی ها بد (۲۱) میرسد و از سد تنه درخت جدا گشته که با سه چنبره درپائین و سه چنبره در میان و سه چنبره در بالا بهم چسبیده است و از هر تنه هفت شاخه جدا گشته که رویهم بیست و یک شاخه شده است .

این درخت دارای رازی بس بلند و نشاندئی است از آئین و فرهنگ ایران باستان

یعنی آئین و فرهنگ ایران باستان را از راه بزرگی و باروبر نیکو داشتن ، به پیکره درخت پر باروبر نشان داده و از این راه ارزش درخت را نمایانده است .

برای درخت چه ارزشی از این بهتر و بالاتر که نگاره آن در مهر شاهنشاهی ایران آمده و نمودار آئین و فرهنگ و دانش يك کشور شناخته شده است . هر يك از نشانی ها و شماره های یاد شده در نگاره درخت نمودار يك چیزی و یادآور بخشی از فرهنگ دیرین ایران میباشد .

سه درخت نمودار سه پایه آئین زرتشت است که اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک میباشد .

سه چنبره نمودار پیوستگی این سه دستور بزرگ است . یعنی باید این سه دستور برای همیشه در يك چنبره و هر سه با هم بستگی داشته باشند . میتوان چنبره را بجای چنبره پیمان یا حلقه پیمان دانست و یادآور پیمان بستن برای نگاهداری کردن اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک شمرد .

شماره های هفت نمودار هفت امشاسپند است که داستان آن در پیش گفته شد . شماره بیست و يك (۲۱) نماینده ۲۱ واژه سرود یتا هو میباشد که برای نخستین بار زرتشت آنرا سروده است . کتاب آویستا هم در روز گاران گذشته (۲۱) بخش یا ۲۱ نسک بوده است .

همانطوریکه در آغاز این گفتار یادآور شدیم ، داستان نشانی های این مهر خیلی دراز و نیازمند گفت و گوی فراوان است ولی در اینجا ناگزیر هستیم سخن را کوتاه کنیم و بیش از این بدرازا نکشائیم . تا این اندازه گفت و گو هم برای این بود که دانسته شود درخت در فرهنگ باستانی و در دربار شاهنشاهی ایران چه اندازه ارزش داشته ، سخن را در این باره به پایان میرسانیم و به گفتارهای دیگر میپردازیم .